

روایت یک &171#;روحانی نقاش صاحب سبک &187#; از تلاش‌هایش برای استفاده حوزه علمیه از ظرفیت هنر + عکس آثار



photo : Mohammad Hassanzadeh

شناسه خبر : ۱۳۱۶۱۳ چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ - ۱۵:۱۷

وقتی یک فیش‌برداری از سخنان رهبر معظم انقلاب در بحث عالم هنر، هنر چیست و هنرمند کیست انجام می‌دهید، یکی از دغدغه‌های ایشان، هنر اسلامی و انقلابی است. خیلی سعی کردم در این وادی با حوزه‌های علمیه ارتباط برقرار کنم و بگویم از این ظرفیت استفاده کنید.

به گزارش خبرنگار دین موج خبر، زیبایی عنصر اصلی هنر و هنر دینی زیباترین نمود زیبایی است از آن جهت که دو زیبایی را در خود جمع کرده است، زیبایی هنر و زیبایی دین.

در بینش توحیدی منشأ زیبایی خداست، چرا که بر اساس جهان‌بینی توحیدی، جهان و هر آنچه در آن است مخلوق و مظهر

زیبایی خالق است، هم هر آنچه که الهام بخش زیبایی به هنرمند است و هم هنرمندی که بر اساس فطرت خدا آفریده خود قدرت درک زیبایی های جهان و بازآفرینی آنها را در گونه های هنری متعدد دارد، همگی مخلوق خدایی است که زیبایی جزو ذات اوست.

در این بینش خالق زیبایی همان کسی است که فطرت زیبایی شناس و زیبایی آفرین انسان را خلق کرده است.

منشأ و خالق دین نیز خداست و به همین دلیل واجد زیبایی است و زیبایی های آن در تعالیم منابع هدایتی آن، یعنی کتب آسمانی و پیامبران و هادیان دین کاملاً مشهود است. به همین خاطر است که امام رضا علیه السلام فرمود: *إِنَّ النَّاسَ لَوُ عِلْمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا*؛ اگر مردم زیبایی های گفتار ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند.

توسعه هنر دینی از طرفی نیازمند تربیت دینی هنرمندان است، تربیتی که آنها را متوجه این هنر متعالی کند و از طرفی دیگر نیازمند توجه متولیان دین به خصوص نهاد روحانیت به هنر و هنرمندان است تا با اهتمام بر تربیت دینی آنها و همچنین استفاده از نگاه زیباشناسانه هنرمندان، زیبایی های دین را در بهترین و نرم ترین شکل انتقال پیام، از طریق تولیدات هنری به مخاطبان خود منتقل کنند.

یکی از کسانی که در کسوت روحانیت قدم در این راه نهاده و با استفاده از هنر نقاشی سعی در تبلیغ مضامین دینی دارد، حجت الاسلام آرش نیک نژاد است؛ روحانی جوانی که علاوه بر تحصیل در حوزه علمیه به دانشگاه رفته و در رشته نقاشی نیز تحصیل کرده و صاحب یک سبک نیز شده است. در ادامه مشروح گفت و گوی خبرنگار دین تسنیم را با وی از نظر می گذرانید:

* جناب آقای نیک نژاد! پس از آشنایی با شما مواجه شدیم با فردی که هنرمند و نقاش بوده و افتخاراتی در این حوزه کسب کرده است و بعد در کسوت روحانیت قرار گرفتید و اکنون با سبک ابداعی خودتان و با مضامین دینی آثاری خلق می کنید. اولین بار است که می بینم یک روحانی با اندیشه و سبک مستقل در قالب نقاشی به مضامین دینی می پردازد، مضامینی که تا پیش از این کسی به آنها نپرداخته است. نقاشی را چه زمانی آغاز کردید؟ این شخصیت هنری چه زمانی شکل گرفت؟

بنده متولد 1358 خرمشهر هستم. جنگ زده شدیم و از آنجا نقل مکان کردیم. در تهران و کرج بودیم. به دلیل موقعیت شغلی پدرم به اهواز بازگشتیم. در خانواده هنرمند به دنیا آمدم. پدرم از اساتید بنام نقاشی بود. دوران ابتدایی تا راهنمایی ساکن تهران بودیم. در مسابقات متعدد نقاشی شرکت می کردم. یک بار در دو منطقه تهران و یک بار هم در

کل استان تهران نفر اول نقاشی آن دوره شدم.

چند سالی در عرصه هنر کار نمی کردم، بعد تقریباً 18 یا 19 سالم بود که دوباره شروع به نقاشی کردم. مکاتب کلاسیک و رئال کار می کردم. جسته و گریخته از کارهای بزرگان عرصه هنر دنیا کپی می کردم تا اینکه دوباره کنار گذاشتم. ازدواج که کردم، کلاً نتوانستم کار کنم. یکی از علایق خودم شرکت در رشته هنر بود. در کنکور شرکت کردم و در دانشگاه دولتی شهید چمران اهواز قبول شدم. کارشناسی هنر را با گرایش نقاشی گرفتم. یکی از دغدغه هایم این بود که کارم شرعی و با جنس انسان شرقی همخوانی داشته باشد. علاقه به مکاتب غربی نداشتم. مکاتب امپرسیونیسم، اکسپرسیونیسم و رئال و سورئال را هم کار می کردم. من امپرسیونیسم کار می کردم که استاد دانشگاه به بنده می گفت استاد! بعد وارد فضای کاهگل شدم. با کارهای استاد کلانتری آشنا شدم. یک مدت کارهای ایشان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادم. سعی کردم تغییراتی در این حوزه دهم. واقعاً توفیقی بود که خداوند عطا کرد. نمی دانم چه زمانی شد که به سمت ترکیب بندی بروم تا بتوانم تلفیقی از گرایش های هنری داشته باشم. فلسفه آن به چه شکلی است و چرا این فضا را انتخاب کردم، جای صحبت دارد.



photo : Mohammad Hassanzadeh

* زمانی که وارد دانشکده هنر شدید، ملبس بودید؟

طلبه بودم، اما لباس روحانیت نمی پوشیدم.

* در دانشگاه می دانستند طلبه هستید؟

می دانستند، منتها فضای دانشگاه در آن زمان به این شکل فعلی نبود. بهتر بود.

* قبل از دانشگاه چند سال از طلبگی شما می گذشت؟

حدود 6 سال. همزمان حوزه و دانشگاه بودم. به لحاظ درسی خیلی وقت کم می آمد. در کلاس باید کارهای عملی ارائه می دادیم. اساتید هم شناخته شده بودند.

تولستوی می گوید هنر باید در پرتو دین و مسیر الهی و رشد و تعالی انسان باشد

* دانشکده های هنر فضای خاصی از جهت فرهنگی دارد. فضای حوزه را هم درک کرده بودید. چطور توانستید این دو فضا را جمع کنید؟

ما متأسفانه تصور می کنیم هر که هنرمند است، شخصیتش باید متمایز باشد و این تمایز را نشان دهد. ما اگر به هنرمندان گذشته در ایران و غرب نگاه کنیم، انسان های عادی بودند. ضرورت ندارد من که هنرمند هستم، حتماً با تیپ خاصی آن را نمایش دهم. این مسئله به فلسفه هنر باز می گردد. تولستوی کتابی به نام فلسفه هنر دارد. تحقیقی درباره تمام نظریات اندیشمندان و فلاسفه درباره هنر را انجام داده است. خود تولستوی به این نکته می رسد که هنری، هنر است که در پرتو دین و مسیر الهی و رشد و تعالی انسان باشد.

مقام معظم رهبری نیز می فرماید «هنر اسلامی، هنری بدون دروغ و اغواست.» در نگارگری می گویند پرسپکتیو را در آن اعمال نمی کنند؟ یا سایه و عمق را نشان نمی دهند. علتش این است که می گویند این فریب است. ما با صداقت کامل کار می کنیم. نوع فرم ها و رنگ ها با هنر غرب تفاوت می کند.



متأسفانه هنر در غرب به سمت ابتذال می‌رود. اگر می‌خواهم هنر خودم را هنری خلق کنم که به نگاه خداوند وصل باشد و موجب رشد و تعالی باشد، باید در مسیر الهی باشد نه اینکه انسان را فریب دهد.

شما هنرمندان غرب را نگاه کنید. پیکاسو و امثالهم لباس و پوششی ساده داشتند. هنرمند باید خودش را در وادی آراستگی روحی و ظاهری حفظ کند. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ». انسان هم باید ایمان و هم عمل صالح داشته باشد. این خودش هنر است. این نوع تحفظ خوب است، اما متأسفانه در جامعه و در عرصه هنر و دانشگاه‌های هنر کمتر به این مسئله پرداخته می‌شود؛ بیشتر به سمت نمایش و متمایز کردن چهره هنر حرکت می‌کنند. من فرض کنم که اگر هنرمندم، خیلی متفاوتم. بلکه باید گفت هر که بتواند در مسیر صحیحی گام بردارد و درست زندگی کند، او هنرمند است.

انسان هم باید ایمان و هم عمل صالح داشته باشد. این خودش هنر است. این نوع تحفظ خوب است، اما متأسفانه در جامعه و در عرصه هنر و دانشگاه‌های هنر کمتر به این مسئله پرداخته می‌شود؛ بیشتر به سمت نمایش و متمایز کردن چهره

هنر حرکت می‌کنند.

سعی کردم به حوزه علمیه بگویم از ظرفیت هنر استفاده کنید

* فضای حوزه و فضای دانشگاه را از جهت فرهنگی چطور با هم جمع کردید؟

وقتی یک فیش برداری از سخنان رهبر معظم انقلاب در بحث عالم هنر، هنر چیست و هنرمند کیست انجام می‌دهید، یکی از دغدغه‌های ایشان، هنر اسلامی و انقلابی است. هنری که عرصه اسلام و اصول اخلاقی و استقلال ملی را تبیین کند. چند جا هم تذکر دادند که هنرمند دینی تربیت شود. خیلی سعی کردم در این وادی با حوزه‌های علمیه ارتباط برقرار کنم و بگویم از این ظرفیت استفاده کنید. من که کار خودم را دارم، اما شما می‌توانید جلوه دیگری از یک روحانی را نشان دهید که در عرصه تجسمی، نقاشی و داستان‌نویسی و یا فیلم‌نامه‌نویسی فعالیت می‌کند. خلأ و آسیب اجتماعی کنونی ما این است که حوزه‌های علمیه یا قشر متدین جامعه در عرصه هنر به صورت بایسته و شایسته ورود نکردند و لذا درک لازم را از این فضا ندارند. هنرمند انقلابی و مذهبی دچار چالش است. یعنی از یک سو برخی اقشار هنرمندان هستند که با هنر اسلامی و ایرانی تقابل دارند، و طرف دیگر می‌کنند و قشر مذهبی هم درک هنری را ندارند.



photo : Mohammad Hassanzadeh

* یعنی شما در حوزه و دانشگاه با واکنش مواجه بودید؟

حوزه استقبال خاصی نشان نداد برخلاف اینکه چندین بار با آنها صحبت کردم؛ حتی گفتم در موضوع تربیت طلاب می‌توانند این موضوع را هم مدنظر داشته باشند. من با یکی دو تا از معاونین ارتباط گرفتم. آنچنان علاقه خاصی در بین آنان ندیدم.

ساختمان های شهری اثرات مخربی روی روح و اخلاق ما می گذارند

* آنچه شما را به سمت هنر دینی سوق داد چه مسئله ای بود؟ شما از کودکی نقاشی می کردید و قبل از اینکه خیلی جدی شروع به نقاشی کنید، طلبه بودید. کدام وجه شما باعث شد به سمت هنر دینی بروید؟ وجه طلبگی یا هنری؟

آثارم تلفیق بافت های ایرانی اسلامی با نگاه هنر ایرانی و اسلامی است. خودم آدم سنتی هستم، از این رو دوست دارم کارهایم سنتی باشد. در هنر جمله ای داریم که می گوید اگر می خواهی هنر خودت را معرفی کنی، هنر بومی خود را به

صورت جهانی معرفی کن. اگر بخواهم دنبال هنر غرب بروم، هنرمندان این عرصه زیادند. الان نگارگری در مهجوریت است و یا بزرگان کمی هستند که در این زمینه کار کرده باشند. اما نقاشی غربی را کار می کنند.

اکنون دوره صنعت و تکنولوژی است، انسانی که در این دوره زندگی می کند، از این کلاف پیچیده خسته شده است. ساختمان های شهری ما را ببینید چه اثرات مخربی روی روح و اخلاق ما می گذارند. سنگ های ساختمان های سنگی رومی که به لحاظ فیزیکی ارتعاشات درونی انسان را به خودش باز می گرداند. در صورتی که بافت های آجری و کاهگلی این ارتعاشات را جذب می کند. شما وقتی در سجده سرتان را بر خاک می گذارید، انرژی های منفی شما را جذب و دفع می کند.

معماری ما انیس ترین هنر با ذائقه مردم است

انسان دوره مدرنیسم و انسان عصر تکنولوژی و صنعت دنبال آرامش است. می گوید «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش * باز جوید روزگار وصل خویش» شما وقتی به بافت های سنتی شهرهایی مثل یزد و شیراز می روید، آرامش دارید. حالا اگر سازه های شهری ما به این شکل بود، بسیاری از آسیب های اجتماعی به صورت ناخودآگاه کنترل می شد. مقاله ای می خواندم مبنی بر اینکه برای شبیخون فرهنگی، از قدیم با معماری شروع کردند. معماری ما انیس ترین هنر با ذائقه مردم است؛ هنری که ناخواسته بر من تأثیر می گذارد، معماری است. هنر ایرانی با اسلام آمیخته شده است. بافت های سنتی حس پر خاشگری و تشویش ذهن ما را کنترل می کند. سعی کردم وارد این فضا شوم.

با فرهنگ و هنر غربی نمی توان به مقابله با خودش پرداخت

انسان دوره مدرن، اصل وجودی خود را گم کرده و از ماهیت خود دور شده و درگیر صنعت و تکنولوژی شده است. بعضی از کارها محتوا دارند، اما به محض نگاه کردن، اضطراب می گیرید و حالت آرامش ندارید. شما به چه بافت ها و تابلوها و آثاری باید نگاه کنید در وهله اول به شما آرامش دهد. در این عصر که غرب به ما شبیخون زده، اصالت و فرهنگ و هویت و ملیت ما تحت الشعاع قرار گرفته است. شما در جامعه مشاهده می کنید از خورد و خوراک و سلاقی ما تحت تأثیر فرهنگ و هنر غرب قرار گرفته است. هر اندازه آنها قوی تر باشند، نیاز است با پشتوانه عمیق تری جلو برویم، لذا از معماری ایرانی بهره گرفتیم. شما با نگاه به یک بافت سنتی از گچ و کاهگل در کنج منزلتان آرامش می گیرید. یکی از اهدافم تقابل با فرهنگ و هنر غرب است، نباید با هنر خودشان با آنها مقابله کنیم. آیا من حرف خودم را با هنر غرب بزنم یا با اصالت و هویت خودم؟ هنر شرق، هنری کم نظیر است. یکی از علت های گرایش به این سمت این موضوعات بود.

در این آثار سعی کردم از ادبیات و شعر و خط و نگارگری که تبدیل به کاشی کاری شده بود، استفاده کنم. منتها سعی کردم مفاهیم ذبح نشود. سعی کردم به بُعدی نگاه کنم که کمتر به آن نگاه شده است. این یکی از دلایل مهم من برای گرایش به این سمت بود.

* الان نتیجه دیگری گرفتیم. شما هم یک طلبه و یک هنرمند بودید و هم یک نگاه سنتی داشتید که این ویژگی‌ها سبب شد عناصر ایرانی اسلامی را در سبکتان استفاده کنید و دست به ابداعاتی بزنید؛ اسم این سبک چیست؟

تداعی.

* چرا تداعی؟

چون ما را به اصل و هویت و اصالت‌مان بازمی‌گرداند. تابلویی به اسم «مسیر زندگی» داشتم. نمایشگاهی در اهواز داشتم که رسانه‌ای شد. دو نفر از بازدیدکنندگان با دین آثار گریه کردند. می‌گفتند ما بچه که بودیم، چنین راه پله‌ای داشتیم (اشاره به یکی از آثار) و تو ما را به 20 - 30 سال قبل بردی. پس اگر بتوانیم هنری را ترسیم کنیم که اثرگذار باشد و در کنارش پیامی را هم برساند، خوب است.



از زمان ایلخانیان که تابلوهای معراج شروع شد و تا اوج تابلوی سلطان محمد، معمولاً تابلوها فاخر بود و بعضاً نمادی از شیر به عنوان نماد امیر مؤمنان علیه السلام کار می‌شد. تابلوی «معراج» را با کاشی کاری مسجد جامع گوه‌ر شاد و به سبک هشت‌پر هندسی رسم کردم. به لحاظ محتوایی هیچ نقاشی به این روایت شریف اشاره نکرده بود که پیامبر صلی علیه و آله فرمود: من وقتی به عرش رفتم، در سمت راست آن دیدم که نوشته «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ». این را 5 بار دور کتیبه تکرار کردم که هم محتوا اشاره به امام حسین علیه السلام داشته باشد و هم محوریت با پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. یا تابلوی «حجاب، میراث حضرت زهرا» یا تابلوی «بوسه پیامبر بر دستان حضرت زهرا» چنین حالتی داشت. یکی از آثارم نیز به نام «فاطمه روح نبی» است. اگر تحقیقی داشته باشید، تمام تابلوهایی که در مکتب‌های مختلف از آن بانوی بزرگوار کار شده، نگاه تاریخی داشته و یا حاوی مصائب و مظلومیت آن بانوی بزرگوار

بوده است. کلاً سعی کردم محتواها متناسب با شرایط روز باشد که حجاب از جمله آنها بود. یکی از کارها پاسخ به روزنامه فرانسوی بود که علیه رهبر معظم انقلاب اقدامی کرده بود. یک اثر را آقای روح الامین کار کردند و دیگری هم خودم نقاشی کردم که آقای قاضی زاده هاشمی از آن رونمایی کرد. پایین این اثر به صورت کاشی کاری حرم امام رضا (ع) و با اندازه‌ای که کنایه از وجود نازنین اهل بیت علیهم السلام بود و بیت «به رغم مدعیانی که منع عشق کنند، جمال چهره تو حجت موجه ماست»، در آن کار شده بود.



غدیر را در فضای عرش کار کردم نه روی جهاز شترها

اکنون مشغول تدارک دیدن مجموعه‌ای با محتوای راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام با نگاهی دیگر هستم. مثلاً غدیر را در جهاز شترها کار نکردم بلکه در عرش کار کردم. ترکیب‌بندی کمی متفاوت بود. ابرها را در دل کاشی کاری آوردم و ملائک را در دو کتیبه جدا که حریم ملائک با مقام ولایت است. طی یک سال اخیر 5 – 6 رونمایی داشتم. در کنار رونمایی از آثاری که معرفی کردم، یکی دیگر از آنها تابلوی «شهید گمنام» بود که کار متفاوتی شد.



آثار هنری خلق نکردم تا کنج خانه بماند، باید حمایت شوند

* در نمایشگاه قرآن حضور داشتید؟

خیر نبودم، یعنی کسی از وزارت ارشاد دعوت نکرد. فقط سال گذشته در یک جشنواره در اهواز شرکت کردم. هنر، مثلث سه وجهی است. هنرمند خلق اثر می‌کند، هنری که به درد این مرز و بوم و اسلام بخورد. این کار را انجام ندادم که کنج خانه باشد. تابلوها هم ابعاد بزرگی دارند. موادی هم که دارند، هزینه‌بر است. کنج خانه من انباری شده است. این تابلو برای دیده شدن است، یعنی برای اینکه اثری در جامعه بگذارد.

بخش دیگری از آن، حمایت است. ممکن است ما را به سمت آثار باستانی و شاهنامه سوق دهند، اما علاقه‌ام این است. منتها اگر هنرمند مجبور شود، به خاطر امرار معاش هم شده به آن سمت می‌رود. بنابراین یک بخش به نام هنر داریم و یک بخش هم اشاعه هنر. من خلق می‌کنم، منتها نمی‌توانم آن را نشر کنم. یک بخش هم حمایت است.

باید منبری شکل دهیم که اقشار مختلف جامعه را تنویر افکار دهد

* 21 تیر ماه امسال (1402) مبلغین حوزه علمیه قم با رهبر معظم انقلاب دیداری داشتند. ایشان در آنجا اظهار نگرانی کردند. فرمودند من نسبت به تبلیغ دین نگرانم. مسئولیت آن هم با حوزه علمیه قم است. در آنجا به تاریخچه‌ای از تبلیغ دین اشاره کردند که بیشتر شامل کتاب و منبر بود. ما امروز با یک روحانی مواجه شدیم که با ابزار هنر برای تبلیغ دین استفاده می‌کند. رهبر انقلاب هم از هنر به عنوان قدرت نرم یاد می‌کنند. شما می‌توانستید مثل خیلی از روحانیان از ابزار منبر استفاده کنید و اکنون برخلاف آنچه که گفتید شرایط بهتری راه هم داشته باشید. اما ظاهراً آنجایی که باید از هنر دینی شما استقبال و استفاده می‌کردند، استقبال نشده است. مسیر را چطور می‌توانید ادامه دهید؟

انسانی که قصد دارد در هر عرصه‌ای و با هر موضوعی تبیین کند، باید شرایط جامعه را بسنجد، جامعه هدفش را ببیند. با تفکر و روحیات و پیشرفت‌ها و تهاجم‌ها آشنا شود و بعد برنامه‌ریزی کند. هیچ‌کس منکر تبلیغ در منبر نیست، اما آیا تمام جامعه پای منبر می‌نشینند؟ ما باید منبری صورت دهیم که اقشار مختلف جامعه را تنویر افکار دهد. حضرت آقا می‌فرمایند «هیچ زبانی رساتر از زبان هنر نیست.» پس باید از این ظرفیت استفاده کنیم. کسی که در عرصه هنر تبیین می‌کند، باید به فکر اشاعه آن هم باشد. اگر یکی از اضلاع کار نکند، سبب ذبح اثر می‌شود.

درک هنری مسئولان را بالا ببریم

* ما برای اینکه از ابزار هنر برای تبلیغ دین استفاده کنیم، چه موانعی وجود دارد و چه کارهایی باید صورت بگیرد و چه کسانی باید وارد میدان شوند؟

اولین کاری که می‌کنیم، این است که درک هنری مسئولان را بالا ببریم. حوزه‌های علمیه باید در عرصه هنر ورود کنند. اگر معاونت هنری دارند، تقویت کنند، اگر ندارند، ایجاد کنند. اگر هنرمند انقلابی تربیت کنند، به صورت خودکار خودش جلو می‌رود. اگر هزاران نفر در عرصه سینما و موسیقی و ... داشته باشی، دغدغه هدایت آنها را نداری؛ خودشان جلو می‌روند. حلقه را باید تقویت کنیم. یک ساختار ایجاد شود.

* آنچه بیشتر در حوزه علمیه جریان دارد، فقه و اصول است. آنان که قصد دارند در حوزه درس بخوانند، غالباً بر همین مسیر تمرکز دارند و ظاهراً قصد دارند مدارج عالی فقهی را طی کنند. آیا در بدنه حوزه علمیه تمایلی نسبت به هنر وجود دارد؟

بله هست. بالاخره تربیت علما و مجتهدین ضمانت جامعه است که قوی هم باید جلو بروند، اما طلابی هستند که کار هنری می‌کنند. وقتی تبیین کنیم که عرصه روز جهان نیاز دارد به شکل دیگری تبلیغ شود، آن زمان است که طلاب هم ورود می‌کنند.

* شما می‌فرمایید در حوزه علمیه هم ذائقه و هم میلش در زمینه هنری وجود دارد. آیا به فکر این هستید که مجموعه‌ای از طلبه‌های هنرمند درست کنید و مقداری منسجم‌تر و جدی‌تر کار کنید؟

از آن رأس باید پشتیبانی شود. من طرح ارائه دادم.

* احساس می‌شود باید آتش به اختیار عمل کنید. یعنی وقتی سیستم همراهی نمی‌کند، باید خودجوش عمل کرد. مثلاً طلبه مستندساز و موسیقیدان و گرافیک‌داریم. جا دارد مجمعی از همین هنرمندان شکل دهید؟

فرصتش را پیدا نکردم. در اهواز سعی کردیم به چنین مجموعه‌ای برسیم، اما هم همت و هم فرصت می‌طلبید. بهترین راهکارش تحول از بالای مجموعه است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/